

انگیزه:

## Life style

انتخاب مدل انواع قلم شکسته

*Life style*

*Life style*

*Life style*

*Life style*

*Life style*

*Life style*

*Life style*

*Life style*

***Life style***

سوال: بچه ها چی نوشتم اینجا؟

(نمی تونند بخوندند. لذا خودمون میخوانیم.)

سوال: بچه ها شما چه مدلی زندگی می کنید؟ (از یک فرد پرسید)

جواب: یعنی شما ملاک و معیارتان برای انتخاب های در زندگی (مثال های مختلف) چه است؟ (از یک فرد

پرسید و در تخته بنویسید)

جواب های دانش آموزان:

هرچه عشقم بکشد...عقلم... پدر و مادر... مشورت... و...

بچه ها آیا دین یا مکتبی داریم که ساخته دست انسان باشه ....

تا به حال به این اصطلاح " **Huamanism** " برخورد کردید، آیا کسی با این مکتب آشنایی دارد؟

نظرات بچه ها....بعد ادامه بحث

## انسان گرایی

امروز می خوام درباره یه دین و مکتبی حرف بزنم که آسمانی و الهی نیست و اتفاقاً ساخته ی دست انسانهاست. این مکتب در غرب خیلی طرفدار دارد و در نگاه اول هم، بسیار جذابه.

وقتی کسی برای اولین بار درباره اش می شنوه، به شدت علاقه مند می شه و با خودش میگه: چه دین و مکتب جالبی!!! می تونم با اون به همه ی خواسته هام در زندگی برسم و به معنای واقعی کلمه عشق و حال دوره ی جوانی ام رو تجربه کنم.

آری...به حدی خوشحال و مسرور می شه که انگار گمشده اش را پیدا کرده ....

و این مکتب در کشور خودمان هم بدون اینکه کسی بداند، خیلی طرفدار دارد خیلی از افراد جامعه در عمل از پیروان و طرفداران این مکتب هستند.

خب حالا اسم این مکتب جذاب و فریبنده چیه؟؟؟!!

**Huamanism** : یعنی انسان گرایی.

## اقناع اندیشه:

## مبانی انسان گرایی

انسان گرایی، انسان باوری یا اومانیسم شالوده فرهنگ و فلسفه بعد از رنسانس در غرب است که بر اساس آن، انسان میزان کلیه ارزش ها و فضایل از جمله حق و حق گرایی است. این مکتب، سرشت انسانی و علائق طبیعت آدمی را میزان همه چیز قرار می دهد.

در برخی از موارد انسان گرایی در برابر خداگرایی قرار داده شده است.

در این مکتب، برخلاف ما که می گوئیم اصالت و محوریت با خداست، می گویند اصالت با انسان و نظرات و خواسته های اوست.

آنها قائل به این هستند که هیچ قدرتی نباید انسان را محدود کند و تحت سلطه خودش در بیاورد حتی وجود مقدسی چون خدا.

برخی انسان گرایی را به عنوان ایمان به خدای حقیقی یعنی ایمان به خود انسان یاد می کنند. از نظر آنها با این که یک ندای درونی در انسان می گوید که خدا هست ولی چون انسان آن را نمی بیند پس نباید در مورد آن اظهار نظر نماید و فعلاً آن چیزی که هست و انسان آن را می بیند، خود انسان است و در واقع انسان همان خداست و به اندازه تمام انسان ها خدا وجود دارد.

در این مکتب بر خلاف اسلام که معیار خیر و شر را، خدای متعال می داند، می گوید معیار و ملاک خوبی و بدی، خود انسان است.

پس ملاک درست بودن خواسته های من، خودم هستم.

خب چه چیزی خوب است؟

هر آنچه که من دلم بخواهد و دلم بکشد.

چه چیزی بد است؟

هر آنچه برایم لذت بخش و دوست داشتنی نباشد.

اما دین می گوید هر چه خدا به آن امر کند خوب و هر آنچه خدا از آن نهی کند، غلط و نادرست است.

انسان گرایی مدل هر چه عشقم بکشد را نشان می دهد. چون در واقع هر طور که دلمان بخواهد می توانیم رفتار کنیم.

مثلا در این مکتب:

- دلمان می خواهد گوشت سگ بخوریم... حکمش چیست؟

می گویند: اگر لذت می بری و میل به خوردنش داری، بخور.

اما اسلام می گوید: نه... حرام است.

- من دلم می خواهد جنین انسان بخورم، چه کنم؟



## معیار اصلی در انسان گرایی

در اینجا لازم است کمی در مورد این مکتب و مبانی آن، بیشتر نقد و بررسی انجام دهیم تا بهتر بتوانیم قضاوت کنیم.

مکتب انسان گرایی که می گوید معیار درست و غلط بودن، انسان است. چطور می تواند اشتباهات موجود در زندگی افراد را نادیده بگیرد؟ آیا با چنین سبک زندگی ای می توان مطمئن شد که ما به سعادت و خوشبختی می رسیم؟

راستی چگونه می تواند از خطاهای انسانی چشم پوشی کند؟

آیا انسان، تمام رفتارهایش درست است و اشتباهی نمی کند؟

آیا رفتار انسان هر طور که باشد، چه درست و غلط قابل قبول است؟ خوب و پسندیده است؟

اگر قرار باشد که هر چه انسان خوشش بیاید و برایش لذت بخش باشد را خوب و درست بدانیم، دیگر چه نیازی به مقوله تربیت خواهد بود؟

در اینصورت بچه هر کاری دوست داشت، انجام بدهد، هر غلطی دلش خواست بکند و پدر و مادر هم نباید دخالتی داشته باشند.

مثلاً: اگر دختر 10 ساله ای دلش بخواهد با دوستانش بدون اجازه ی والدین خود، به مسافرت برود، به پارتی های شبانه برود... قرص روانگردان مصرف کند و یا در خانه ی مجردی زندگی کند و...

آیا خطری او را تهدید نمی کند؟!

آیا این باعث هرج و مرج در خانواده نمی شود؟

آیا این منطقی و عقلانیست؟

آیا اصلاً این نوع رفتار می تواند کسی را خوشبخت کند؟

به راستی اگر کسی هر کاری که دلش خواست انجام بدهد، به موفقیت و پیشرفت می رسد؟

خدای متعال در قرآن می فرماید: " عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم ". (سوره بقره آیه 216)

چه بسا شما به چیزی علاقه داشته باشید در حالیکه همان، برایتان بد و شر باشد.

## مریم و دو جوان دیوانه

فردی در تیمارستان، جوانی را می بیند که در یک اتاق با حسرت فریاد می زد: مریسیم! مریسیم!

پرسید که این جوان چرا دیوانه شده؟

گفتند: دختری به نام مریم را می خواسته، به او نداده‌ند... شکست عشقی خورده، دیوانه شده آوردنش اینجا.

آخی... طفلکی جوون بیچاره!!!!

دوباره در اتاق دیگری، جوانی را دید که با حرص و ناراحتی فریاد می زد: مریممم! مریممم!

از مسئولش پرسید: این جوان چرا دیوانه شده؟

گفت: اون مریمی بود که به اون جوان قبلی نداده بودند، دادن به این!!!

توجه کردید؟!

چه بسا ما آدمها چیزهایی را خوب و درست می دانیم و حتی به آن اصرار هم می ورزیم، در حالیکه اصلا برایمان

خوب و مفید نیست.

## عشق آتشین و ناپایدار

آقا پسری به یه دختر خانم علاقه داشت و پدرش با ازدواجش با اون دختر خانم مخالف بود...

از پسره اصرار و از بابائه انکار... تا اینکه یکی از روزها پسره دید حریف باباش همیشه، رفت توی حمام و چند تا

خراش سطحی روی دستش کشید تا باباش رو تهدید کنه!

که یعنی بابا اگه نداری به عشقم برسم و با اونی که دوشش دارم ازدواج کنم، خودم رو می کشم!

بابائه دید که پسرش انقد ددد در اصرار داره و هیچ جوره منصرف نمیشه، گفت: پسرم به درک!!

اگه باهات مخالفت می کردم، می خواستم بدبخت نشی! ولی اگر خودت می خوای، حرفی نیست!

این پسره با این عشق آتشین با دختر خانم ازدواج کرد... به سه ماه نکشید که فهمید اشتباه کرده و کارشون به جدایی

و طلاق کشید.

بله... همیشه اون چیزی که دلت میخواد و دوشش داری، درست نیست!

## سوال؟

### آیا خواسته های انسان مهم نیست؟

چرا مهم نیست!!!

اتفاقا خواسته های انسان در اسلام هست که به معنای واقعی کلمه به رسمیت شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته.

خواسته های طبیعی ما چیه؟

خوراک، پوشاک، امنیت، مسکن و...

خب اسلام نه تنها این خواسته ها و نیازهای طبیعی انسان رو به رسمیت شناخته بلکه براشون برنامه هم داره.

بذارید با یه مثال براتون توضیح بدم:

(ستون ماشین های مختلف) شما کدوم یک از اینها رو انتخاب می کنید؟

ماشین های لوکس: بنز، لامبورگینی، فراری، بی ام وه، لکسوز و...

ماشین های قراضه: پراید، پیکان (اگر جوانان جیگری نباشه)، فولوکس قدیمی، ژیان و...

قطعا خوبا رو انتخاب می کنید.

اسلام هم می گوید که من می خواهم تو انتخاب احسن داشته باشی.

یکی از نیازهای طبیعی ما، نیاز به خوردن است. آیا اسلام با این خواسته ی درست بشر مخالف است؟؟؟

هرگز!

نه تنها مخالف نیست که انقدر برای خوراک و خوردن قانون وضع کرده که نشان دهنده اهمیت بسیار زیادش به

این خواسته است.

اسلام نمی گوید نخور بلکه می گوید حالا که می خواهی غذا بخوری، ما دوجور خوردنی داریم:

طیبات و خبیثات:

خبیثات: سگ، سوسک، نجاست، خون، مدفوع، مردار، شراب و...

طیبات: انار، سیب، آناناس، گلابی، کباب، جوجه، آبگوشت، شیشلیک و...

اسلام می گوید بخور، ولی از طیبات بخور. ولی چرا از خوردن خبیثات نهی می کند؟

چون می گوید: در شان توئه انسان نیست. کرامت تو بیش از اینهاست که خبیثات را مطالبه کنی.

## نیاز به جنس مخالف

یکی دیگر از خواسته های ما نیاز به جنس مخالف است. آیا اسلام این نیاز را به رسمیت شناخته یا نه؟

در جمع دختران نخبه یکی از شهرهای شمالی کشور، که از هر دبیرستان دو نفر از نخبگان دعوت شده بودند، عرض کردم:

خواهران محترم!

بعنوان یک کارشناس مذهبی از دین می خواهم این نکته را بگویم که خدا به هیچ وجه با ارتباط شما با جنس مخالف مشکلی ندارد. اتفاقاً نه تنها این رابطه را به رسمیت شناخته بلکه آن را محبوب ترین و مقدسترین روابط نیز تعریف کرده و حتی هر که از این ارتباط سرپیچی کند، گویا از اسلام خارج شده است.

فقط خدا با یک چیز مخالف است که حرف خدا را در یک جمله برایتان می گویم و همه سعی کنید این حرف را با تمام وجود بشنوید:

## **یادتان باشد اگر خاطرتان تنها شد، طلب عشق ز هر بی سرو پایی نکنید.**

اسلام می گوید که با انسان هایی که بی شخصیت، بی شعور، بی اصالت، بی خانواده، لابالی، بد اخلاق و عوضی اند، ارتباط نگیرید اینها را حرام کرده.

پس بنابراین در اسلام، خواسته های انسان نه تنها مورد توجه جدی قرار گرفته، بلکه برای ارضای کامل و مطلوب آن، قانون و برنامه ی منطقی و دقیق ارائه کرده است.



## دعا

اتفاقا ما در معارف دینی، موضوع دعا را داریم. که یکی از برنامه های معنوی موکد همه بزرگان دین است. که در اینجا خواسته های انسان از ریزترین خواسته مثل نمک سفره در آن مورد توجه قرار گرفته است.

آیا اگر خواسته های انسان مهم نبود، خدای متعال اینهمه بر طلب کردن خواسته هایمان از خودش، تاکید می کرد؟!

و جالب اینکه حتی گلایه می کند چرا از من کم می خواهید!

از من خواسته های بزرگ را طلب کنید.

مثل این است که خدا یک چک سفید امضاء برای ما گذاشته و می گوید از من بخواهید... از بند کفش تا سعادت آخرت. از خودکار تا خانه مجلل.

همت بلند دار که مردان روزگار، از همت بلند به جایی رسیده اند.

ادعونی استجب لکم...از من بخواهید تا اجابت کنم شما را.

درستش هم، همین است!

چراکه همه کاره ی عالم، خداست و غیراز او کسی در این عالم، تاثیرگذار نیست تا بتواند خواسته های ما را اجابت کرده و ما را به مرادمان برساند.

لا موثر فی الوجود الا الله. (we are nothing)

## انسان گرایی یا خودخواهی؟!

مکتب انسان گرایی در واقع مصداق این آیه ی شریفه ی قرآن است:

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ... (سوره جاثیه آیه 23)

آیا دیدی حال آن کس را که هوای نفسش را خدای خود ساخته؟

یعنی در این مکتب، انسان هر آنچه دلش می خواهد و هر کاری که برایش لذت بخش باشد، همان را انجام می دهد.

در واقع انسان گرایی، پیروی از شهوات و خواسته‌های نفسانی است که در اسلام چنین رویکردی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

آنجاییکه خدای متعال در قرآن می فرماید:

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. (سوره قصص آیه 50)

ترجمه: و کیست (ستمگر و) گمراه‌تر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

یک نکته را باید در این زمینه مدنظر قرار داد و آن اینکه اصلا اومانیت ها به خلاف آنچه ادعا می کنند، اصلا به دنبال حفظ کرامت و ارزش انسان نیستند.

### رسم غیر انسانی در قبایل اسکیمویی

صدها و هزاران انسان در قبایل اسکیمویی در مناطق قطبی این چنین رسمی دارند. یعنی وقتی کسی به مرحله میانسالی می رسد او را روی یک تکه یخ شناور میگذارند و رها می کنند تا بمیرد. با این استدلال که با این کار، آن فرد پیر دیگر حس سربار بودن بر جامعه را نخواهد داشت. حال من از شما سوال می پرسم آیا این رسم انسانی هست یا غیر انسانی؟

قطعاً می گوئید این یک رسم ناجوانمردانه و غیر انسانی می باشد .

اما به چه دلیل فهم شما انسانی است اما فهم آن افراد غیر انسانی؟

چون شما مسلمانید و انسانگرا نیستید!

اگر شما هم پیرو مکتب انسان گرایی بودید، حتما مثل همان هزاران نفر، چنین رفتاری را انسانی می پنداشتید.

دقت کنید همانطور که عرض کردیم، انسانگراها، ملاک خوبی و بدی را فقط فهم انسان می دانند.

به نظر شما با این ملاک، واقعا حرمت انسان حفظ می شود؟!

هرگز...زهی خیال باطل!!!!

ولی ببینید در اسلام چگونه است.

پیری والدین، موجب مسئولیت بیشتر فرزندان، در خودداری از رفتار بی ادبانه؛ مانند رد کردن آنها با تندی و خشونت و سخنان رنج آور می باشد:

«وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه و بالولدين احسانا اما يبلغن عندك الكبر احدهما او كلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا كريما» (سوره اسراء آیه 23)

پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آنها - یا هر دو آنها - نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزین و گفتار لطیف و سنجیده بزرگوارانه به آنها بگو.

## ارزش انسان در اسلام

انسان گرایی اصیل و واقعی تنها در دین اسلام است که معنا پیدا می کند.

این اسلام است که برای انسان ارزش بی نهایی قائل است و کرامت آنرا حفظ می کند.

- همانگونه که او را اشرف مخلوقات معرفی می کند:

" و خلق لكم ما فى الارض جميعا... " (سوره بقره آیه 29)

- و فرشته ها را به سجده ی بر آدم، امر می کند:

" واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا... " (سوره بقره آیه 34)

- و وقتی او را می آفریند به خودش تبریک می گوید:

" فتبارك الله احسن الخالقين " (سوره مومنون آیه 14)

- و خدای متعال صراحتا می فرماید: " و لقد كرمتنا بنى آدم... " (سوره اسراء آیه 70)

ما انسان را با ارزش و با کرامت خلق کردیم.

## لذت گرایی

یکی دیگر از مکاتب غربی که طرفداران زیادی دارد و خیلی از مردم را به خودش جذب کرده است، لذت گرایی است.

لذت گرایی (شادخواهی، شادی جویی) یا هدونیسیم (به فرانسوی: Hédonisme) مکتبی فلسفی است که یافتن لذت و شادی جویی را هدف و ارزش غایی و مهمترین پیشهٔ انسان می‌داند.

لذت گرایی یا اصالت لذت یعنی غایت انسان در اعمال و کردارش، لذت بردن محض است؛ لذا باید به هر شکل و به هر طریقی که می‌تواند از مدت زمان محدود عمر خود برای لذت بردن استفاده کند؛ هدف مکاتب لذت گرا آن است که لذت بردن ارزش ذاتی دارد.

واژهٔ هدونیسیم از واژهٔ یونانی هدوننی به معنای «شهوَت» گرفته شده است.

هدونیسیم یعنی فلسفه لذت طلبی، عشرت طلبی و خوشگذرانی.

پیروان این فلسفه معتقدند فرجام و هدف از زندگی تنها کسب لذت و خوشگذرانی است.

در واقع هدف و غایت اعمال را کسب لذت معرفی می‌کنند.

چه مکتب جالبی!!!

این مکتب، اند عشق و حاله!!!

نکنه می خواهید بگید اینم خوب نیست!

بله درسته... نه تنها خوب نیست که خیلی هم بده!

آخه چرا؟؟؟؟!!!!

مگه عیبی داره که ما از زندگی مون لذت ببریم و بر همین مبنا رفتار کنیم؟

آقا اصلا ما دوست داریم که از جوانی مون لذت ببریم...عشق و حال و از این حرفا.

به عنوان یه دختر ایرانی می خوام از زندگی و جوونیم لذت ببرم، چه اشکالی داره آخه؟!!

اشکالی نداره... ما هم نمی خواهیم بگیم لذت نبرید.

یه کمی حوصله کنید تا براتون توضیح بدم.

برای پاسخ به این سوال لازمه به یک سوال بنیادین و اساسی جواب بدیم و اینکه: آیا دختر حرمت دارد یا لذت؟

### **دختر حرمت دارد یا لذت؟**

شاید بگویید: هم حرمت دارد و هم لذت.

بله کاملاً درست است. اما منظور اینست که کدامیک به عنوان اصل قرار می گیرد؟ حرمت یا لذت؟

اجازه بدید با یه مثال سوال رو تبیین کنم:

گوشی موبایل هم قابلیت تماس و برقراری ارتباط دارد و هم اینکه می توان از آن به عنوان ماشین حساب استفاده

کرد. به نظر شما اصل اولی در خرید موبایل، برقراری ارتباط است یا وسیله ی محاسبات؟

قطعاً اصل اولی، تماس و ارتباط است ولی می شود با آن محاسبه هم انجام داد.

خب حالا سوال اینست که اصل اولی در برخورد با یک دختر خانم کدام است؟

آیا وقتی با یک زن برخورد کردیم بگوییم چه مورد مناسبی برای لذت بردن؟ یا اینکه بگوییم چه خانم باشخصیت

و قابل احترامی!؟

آباً در برخورد با یک دختر خانم، جنسیت زنانه اش را مورد توجه قرار دهیم یا شخصیت انسانی اش را؟!؟

قطعاً همه کسانی که برای انسان بودنشان ارزش و احترام قائلند، اصل را در نگاه و برخورد توأم با حرمت و کرامت

انسان می دانند نه لذت.

### **اصل اولی خانم ها در جامعه امروزی**

حال به نظر شما در جامعه امروزی، اصل اولی در سبک زندگی خانمها، حرمت است یا لذت؟

متأسفانه باید اقرار کنیم که لذت، اصل اولی در زندگی خیلی از زنان و دختران جامعه شده است.

از جوان دانشجویی سوال کردم چطور زندگی می کنی؟

جواب داد: هر طور که عشقم بکشه، هر طور که دلم بخواد و حال کنم.

گاهی اوقات به طرف میگی چرا به این هیئت میری؟ جواب میده: خیلی مداحش باحاله. خیلی حال میده.

دختره به خواستگارش جواب رد می ده. ازش می پرسی دلالت چی بود؟

میگه: اصلاً باهاش حال نکردم.

به طرف میگی چرا نماز نمی خونی؟

میگه: اصلاً با نماز حال نمی کنم و لذت نمی برم.

یعنی اصل انجام رفتار در بین این افراد، لذت است نه حرمت!

و از این نمونه ها فراوان در جامعه ی امروزی وجود دارد.

سوال: حاج آقا ببخشید!

اما فقط شماها هستید که می گید دخترها برای خودشون حرمت قائل نیستند، در حالیکه اصلاً اینطور نیست.

شما روحانیون فکر می کنید هرکسی مثل شما رفتار کنه برای خودش حرمت قائله و اگر مورد تأیید شما نباشه، یعنی برای خودش حرمتی قائل نیست.

جواب: نمی خواستم این حرف رو بزنم ولی حالا که دارید اینجوری قضاوت می کنید، بذارید یه واقعیت تلخی رو براتون باز گو کنم....هرچه بادا باد!

### فحش پسرها

یک فحشی هست که پسرها به شما دخترخانم های محترم میدن که من شرم دارم از بیانش!

راستش اولش خیلی ناراحت شدم که چنین سخنی رو به شما دخترها دارن میگن! واقعاً به غیرتم برخورد!

چون عمیقاً اعتقاد دارم که دختر حرمت داره نه لذت!!!

و اما اون فحش زشت و زننده، شبیه فحش های رایج کوچه و بازار نیست بلکه یه جمله ی معناداره، برخی از پسرها اعتقاد دارند:

## **آدم عاقل برای یک لیوان شیر، گاو نمی خره!**

یعنی چی؟

یعنی پسری که نیاز به جنس مخالف داره با خودش میگه:

من برای چی باید خودم رو به زحمت بیندازم و هزینه ی سنگین عروسی رو به جون بخرم تا به خواسته ام که رفع نیاز عاطفی و جنسی هست، برسم؟!

تازه فقط با یه زن ازدواج کنم و به پاش بسوزم!

در صورتی که می تونم هر وقت اراده کردم با جنس مخالفم باشم!!! تازه هر تعدادی و هر مدلی رو که دلم بخواد! چقدر گستاخانه و تحقیر آمیز!

بذارید براتون این فحش رو بیشتر باز کنم. این جمله یعنی: این جور پسرها:

اولاً: اصلاً ارزشی برای خود دختر قائل نیستند.

ثانیاً: هیچ عشق و علاقه ای به او ندارند.

ثالثاً: فقط به دنبال ارضای نیاز حیوانی خویش اند.

و رابعاً: می خواهند مفت و رایگان به مرادشان برسند.

به نظر شما چه چیزی باعث شده است تا برخی از پسرها، این گونه جسورانه و توهین آمیز، رفتار نمایند و حرمت دختران را زیر پا له کنند؟!

به راستی چه کسی مقصر است؟!

از قدیم گفتن: حرمت امامزاده رو متولیش نگه می داره!

**بله... خود دختر خانم ها مقصرند!**

آیا وقت آن نرسیده که دختران باشخصیت این سرزمین، برای حفظ کرامت و حرمت شون کاری کنند؟!

اگر به جای دخترها بودم، هرگز اجازه نمی دادم اینجور پسرها ازم لذت ببرند!

کوفت اون پسر عوضی و بی شخصیتی بشه اگر بخواد حتی از یه تار موی من لذت ببره!!! حرومش باشه!!!

اینجاست که حکمت حرمت بی حجابی رو که خدا فرموده، بهتر میشه احساس کرد!

## حجاب برای مردها!؟!

چرا زن ها حجاب و پوشش را انتخاب کردند و مردها محجبه نشدند؟

ویل دورانت نویسنده‌ی کتاب «تاریخ تمدن» در مورد اینکه چرا زن‌ها حجاب و پوشش را انتخاب کردند، می نویسد:

«زن‌ها دیدند هرچقدر از دسترس مردان دورتر باشند و هر چه برای مردها دست نیافتنی تر باشند، عزیزترند و حرمت بیشتری دارند و حجاب را انتخاب کردند..»

## گروه Black

این گروه، دختران دانشجوی چادری ای بودند که همه باهم تصمیم می گیرند در یک روز، حجاب را کنار بگذارند و با یک پوشش غیراسلامی در جامعه حاضر بشوند و راحت با پسرها ارتباط بگیرند و....

یکی از این دخترها که همچنان چادری باقی مانده بود، در مجله داخلی دانشگاه مقاله ای را خطاب به رفقای سابقش، اینگونه می نویسد:

سلام دختران گروه بلک

اولاً: چرا بلک؟ چرا رنگ مشکی را برای گروه خودتان انتخاب کردین؟ رنگ های شادتری هم داریم مثل سفید، سبز و... که در معارف اسلامی بهشون تاکید بیشتری شده.

ثانیاً: شمایی که گفتید دلیل عدم حجابمان این است که با یک پوشش بازتر، گارد ما در مقابل پسرها باز می شود و امکان ارتباط راحت تر با جنس مخالف را پیدا می کنیم و به تبع، سریع تر هم، ازدواج می کنیم.

بگذارید بگویم: پسری که به خاطر ظاهر زیبای تان، شما را انتخاب کرد، آیا ممکن است که بخاطر ظاهری زیباتر شما را رها کند؟



پسری که وقتی سیگار یا قلیان می کشد، دود آن را در صورت شما فوت می کند، آیا برای شما ارزشی قائل است؟

پسری که به راحتی، هر کلمه رکیک و زشتی را در حضور شما به زبان جاری می کند، آیا برای شما ارزشی قائل است؟

به عنوان رفیقی که حق رفاقت بر گردنم دارید، می خواستم بگویم:

یادتان باشد که :

«ما به این دنیا آمده ایم که قیمت پیدا کنیم، نه به هر قیمتی زندگی کنیم».

### پرورش احساس:

### پیامدهای لذت گرایی

متأسفانه باید پذیریم که غالب افراد در زندگی خود به دنبال لذت اند نه حرمت.

سوال: مگه چه ایرادی آدم اصل زندگی لذت باشه؟ چطور میشه؟

در مورد جواب این سوال لازمه که پیامدهای لذت گرایی رو بطور مفصل خدمت شما عرض کنم:

### 1- عدم موفقیت:

یکی از پیامدهای لذت گرایی، عدم موفقیت در تمام مراحل زندگی است.

چه رابطه ای بین لذت گرایی و عدم موفقیت وجود داره؟

نقطه مقابل لذت چیه؟ درد، رنج، سختی

یعنی لذت گراها از سختی و رنج کشیدن بیزارند، اصلاً حال و حوصله کار کردن ندارند، بی مسئولیت و به درد نخورند. در واقع به نوع انگل انسانی محسوب می شوند. اینها همه چیز رو حاضر و آماده می خواهند و اصلاً برای رسیدن به خواسته هاشون تلاشی نمی کنند. چرا؟ چون لذت با سختی کشیدن منافات داره.

اینها به هیچ موفقیتی هم نمی رسند چون لیس للانسان الا ما سعی... (سوره نجم آیه 53)

باید تلاش کرد و سختی کشید تا به موفقیت رسید.

## نابرده رنج گنج میسر نمی شود      مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

لذت گراها نه در درس و تحصیل موفق اند و نه در کار و اشتغال و نه در هیچ چیز دیگر.

نه اینکه راحت طلبند اصلا به دنبال ازدواج هم نیستند.

چون حاضر نیستند که سختی بکشند و مسئولیت یه زندگی رو به عهده بگیرند.

## 2- خیانت در زندگی مشترک و طلاق:

افراد لذت گرا ازدواج که نمی کنند، اگرهم ازدواج کنند حتما شکست می خورند و غیر ممکنه بتونند زندگی مشترک خوبی داشته باشند.

چطور مگه؟

خب بذارید قبلش چند تا سوال از شما پرسم:

- چه غذایی رو خیلی دوست داری؟

پیتزا

- یعنی عاشق پیتزایی؟

آره

- خب، تصور کن یک ماه، صبح، ظهر، شب بخوای پیتزا بخوری چه حالی بهت دست میده؟ خیلی لذت می بری؟

وای نه، اصلا لذت نمی برم. حالم واقعا بد میشه... می خوام بالا بیارم!

- چرا؟

خب برام تکراری میشه.

درسته واقعا لذتی نداره و همینطوری که خودت هم اقرار کردی، یه نکته ی مهمی در لذت بردن هست که بدون اون لذت بی معنی میشه و اون تنوع داشته.

با این مقدمه می خوام بهتون بگم که اگر با بهترین و زیباترین (دختر یا پسر) دنیا هم ازدواج کنید، بخاطر لذت گرا بودن و به تبعش، تنوع طلب بودن، حتما ازش جدا میشید و کارتون به طلاق می کشه.

### دختر همه چی تمام

دختر خانمی با یه پسری ازدواج کرد که نه کار داشت، نه پول داشت، نه خونه، نه ماشین و نه حتی خدمت سربازیش رو نرفته بود و اصلا اخلاق خوبی هم نداشت. در حالیکه خودش تک دختر بود، خانواده ی خوبی داشت، درس خوان بود، امکانات و شرایط خوبی برای رشد و موفقیت داشت و خواستگارهای مناسبی هم داشت ولی عاشق یه همچین جوانی شد. پدر و مادر دختر به شدت مخالف بودند و می گفتند که این پسر به دردت نمی خوره، باهاش بدبخت میشی و...

ولی این دختر به هیچ وجه زیر بار این حرفا نمی رفت تا اینکه سرانجام با اکراه و اجبار، خانواده رو راضی کرد و این ازدواج سر گرفت.

این دختر سه ماه بعد از عقدش، با چشمانی اشک آلود و با درد و ناراحتی برای مشاوره نزد بنده آمد و می گفت من در این مدت هر نوع محبتی رو به همسرم ابراز می کردم و با تمام خواسته هاش همراه بودم، با نداریش می ساختم با اخلاق بدش کنار می اومدم، با قهر کردن ها و لجاجزی هاش و... صبورانه و با محبت رفتار می کردم ولی تازه فهمیدم که رفته با یه خانم چهل ساله ارتباط برقرار کرده، آقای مشاور دارم می سوزم!

همه ی رفتاراش رو تونستم تحمل کنم ولی با این کارش، آتیشم زد!

بعد گفت میشه به این سوالم جواب بدید که چرا همسر من با وجودی که من همه جور محبتی بهش کرده بودم باز هم محبتم رو با خیانت جواب داد؟ مگه جواب محبت، محبت نیست؟

گفتم مشکل اینه که همسر شما لذت گراست. اگر بهتر از این هم بودید، باز هم به شما خیانت می کرد.

**گفت چطور؟**

گفتم آخه لذت گراها، تنوع طلبند و نمی توند فقط با یکی باشند. برایشون تکراری میشه و بعد مثل همون پیتزایی که گفتم یه ماه پشت سرهم بخوری دلت رو می زنه، دلشون رو می زنه و حالشون بهم می خوره و میرن سراغ یکی دیگه و این داستان همچنان ادامه دارد...

### دوست شو، کات کن!

یکی از اساتید فضای مجازی نقل می کرد که در یکی از دبیرستانهای ابتدایی دخترانه جلسه سخنرانی داشتم. بعد از جلسه طبق معمول، دانش آموزان برای پرسیدن سوالاتشون نزد بنده می آمدند. یکی از دانش آموزان که هیکل بزرگتری داشت که بهشون می خورد کلاس پنجم باشند، گوشه ی کلاس ایستاده بود. با خودم گفتم احتمالا می خواهد که همه برند و تنهایی سوالش رو مطرح کنه وقتی بچه ها رفتند، آمد جلو گفت: ببخشید من سوالم شبیه سوال بقیه بچه ها نیست.

گفتم: راحت باشید، پرسید.

گفت: پدر و مادر من 15 ساله که ازدواج کردند و مادر من در این سالها غیر از پدرم با مرد دیگری، ارتباط نداشته است.

گفتم: خب، منظور تون چیه؟

جواب داد: آخه من کلاس پنجم هستم و تا الان با 10 نفر ارتباط برقرار کردم و اصلا طاقت ندارم با یکی زیاد در ارتباط باشم و دلم رو می زنه و سریع کات می کنم.

سوالم اینه که مادر من چطور تونسته در این 15 سال طاقت بیاره و فقط با پدرم در ارتباط باشه؟؟؟؟!!!!

این استاد فضای مجازی میگه تا این حرفها رو شنیدم به مدیرشون گفتم بگید والدین این دختر بیاین. به پدر و مادرش گفتم: دختر شما اگر با همین سبک زندگی و افکار بخواد پیش بره، حتما در زندگی شکست می خوره. اگر ازدواج کنه، یا به همسرش خیانت می کنه و کارش به طلاق می کشه و یا اینکه اگر همسرش به سمت گوشی رفت و پیامی داد، سریع بهش شک می کنه نه اینکه خودش اهل چنین ارتباطی بوده، کافر همه را به کیش خود پندارد و این شکاکیت و بی اعتمادی باعث طلاق و جدائیش میشه.

یعنی کسی که لذت گرا باشه چون تنوع طلب میشه، نمی تونه مورد مناسبی برای زندگی مشترک باشه و حتما شکست می خوره.

### 3- افسردگی:

افسردگی چیست؟

غمگین بودن طولانی مدت، بی علاقه گی به اموری که قبلاً دوستشان داشتیم، کاهش تمرکز، خستگی بیش از حد و حالت هایی از این دست، می توانند نشانه های افسردگی باشند.

وقتی کسی نسبت به رفتارها و تفریحات لذت بخش، بی علاقه می شود و هیچ انگیزه ای برای زندگی کردن ندارد، افسرده است.

چرا شخص لذت گرا، افسرده می شود؟ چون لذت برایش تکراری شده است.

### لذت گرای حرفه ای

یک روز کتابی می خواندم از خاطرات یکی از اطرافیان شاه، تقریباً همون موقعی که شاه فرار کرده بود، هرچی پول و پله داشت جمع کرده بود و از مملکت زده بود بیرون، رفته بود اروپا یه کشتی خریده بود و توی دریا برا خودش سیر می کرد و کیف می کرد.

تو کتاب خاطراتش برنامه ی روزانه شو اینطور نوشته بود:

بعد از ورزش صبحگاهی، صبحانه ی مفصل روی عرشه ی کشتی، بعد دو ساعت ماهی گیری، بعدش شنا تو استخری که در داخل کشتی تعبیه شده بود. بعد وقت ناهاره... اونم چه ناهاری، نگو و نپرس!

بعد از ظهر کمی استراحت، قبل از غروب هر روز یک نوع ورزش تفریحی مثل بیلارد و تنیس و شطرنج با رفقا تا وقت شام.

بعد از شام هم یه فیلم سینمایی به همراه دسر بعد از شام (داخل کشتی سالن سینما وجود داشت)

و در آخر خواب (زمستونا داخل کشتی می خوابید و تابستونا روی عرشه کشتی)

این خلاصه ی برنامه ی روزانه اش بود که هر کدوم از ما اگر یکی از این تفریحات برامون جور بشه تا یکی دو هفته خوشیم ولی این آقا هر روزش یه تفریح و عشق و حال تازه بود. تازه به هر جزیره با ساحلی که می رسید، اونجا هم گشت و گذار اساسی می کرد و یه دوری می زد دوباره سوار کشتی می شد و دریانوردی و دنیانوردی. فکر می کنید آدمی که این همه بساط خوشی برایش فراهم بوده (حلال و حرام، این ور آبی و اونور آبی)، آخرش تو اون کتاب خاطرات در موردش چی نوشته بودند؟.....

## از شدت افسردگی مرد!!!!

اصلا باورتون میشه ???

عرض کردیم که مهمترین نکته در لذت گرایی، تنوع بود. اگر تنوع را از لذت بگیریم، بی معنی می شود. یعنی کسی که تمام لذتهای شهوانی و غریزی را تجربه کرده باشد، دیگر برایش امکان تجربه ی لذت دیگر، باقی نمی ماند چون تمام لذتها را چشیده و لذتی باقی نمانده است. لذا زندگی برایش پوچ و خالی از معنا می شود و در اثر تکراری شدن لذت، دچار خستگی و کسالت روحی می گردد و نهایتا با دلی غمگین و افسرده از دنیا می رود.

## افسردگی در جهان

افسردگی یکی از رایج ترین مشکلات سلامت روانی است که بسیاری از افراد در جهان با آن دست به گریبانند. با وجود اینکه شیوع افسردگی در سطح جهان گسترده است اما درجه بندی های متفاوتی برای آن وجود دارد بنا بر آخرین آمار منتشر شده از سوی سازمان بهداشت جهانی، ایالات متحده امریکا «افسرده ترین» کشور در جهان است و بعد از آن کلمبیا و اوکراین در رتبه های بعدی قرار دارند. کشورهای هلند، فرانسه، ژاپن، نیجریه، هند و چین نیز در رتبه های بعدی این جدول قرار گرفته اند. (خبرگزاری مهر)

جالب است که بر طبق این آمارها، کشورهای مرفه و پیشرفته که فرهنگ اومانیستی و هدونستی غربی در آنجا حاکم است، در رتبه های اول قرار دارند.

راستی چرا؟

آیا در این کشورها مردم بخاطر دینداری بی انگیزه و سرد شده اند؟

آیا علت افسردگی لذت نبردن از زندگی و محدودیت در ارضای شهوات است؟

## تجویز حرام

دختر خانم ۲۷ ساله ای که حال روحی بسیار بدی داشت، از شیراز تماس گرفته بود و می گفت:

«حاج آقا! فقط می خوام خودم رو بکشم! دیگه نمی خوام زنده باشم!

- گفتم: چرا؟ مگه چه اتفاقی افتاده؟!!

گفت: از هرچی مشاوره، دیگه حالم بهم می خوره!

- گفتم: متوجه منظورتون نمیشم... لطفاً واضح تر برام بگید بینم قضیه چیه؟

این دختر بیچاره در حالیکه بلند بلند گریه می کرد، اینطور ادامه داد:

حاج آقا! چند وقتی بود که خیلی پکر و افسرده بودم. به یه دکتر روانشناس مراجعه کردم تا بلکه از این حال بد، نجات پیدا کنم.

این آقای دکتر در جلسه مشاوره، بهم گفت: دخترم برو با چندتا پسر ارتباط بگیر... یکی نه آ... چند تا.

گفتم برای چی؟

گفت: رابطه‌ی با چند تا پسر، نه اینکه تنوع داره، هیجان زیادی ایجاد می کنه و بعدش حالت خووووووبه خوب میشه. (درمان به روش لذت گرایی)

منم به راهکار این مشاور عوضی عمل کردم و حال و روزم شده حال و روز اون حیوان وفادار!!!!

افسردگیم درمان نشد، که هیچ... به مرز خودکشی هم رسیدم!

جالب اینجاست که بعضی از این روانشناسانی که با مبانی غربی (اومانیزم و هدونیزم) مشاوره می دهند، اصلاً اشاره ای به ارتباط مراجعان با خدا به عنوان کسی که آرام بخش دل‌های افسرده است، نمی کنند.

مگه در قرآن نمی خوانیم:

«الا بذكر الله تطمئن القلوب». یاد خدا تنها آرامش دهنده دلهاست!

چطور می شود ارتباط با منبع آرامش، حال روحی ما را خوب نمی کند ولی ارتباط نامشروع با جنس مخالف درمانگر است!!!

راستی؟؟؟!!!

در کشورهای غربی که همه چیز آزاد است و هیچ منعی هم در ارتباط با جنس مخالف، برای افراد وجود ندارد و هر لذتی را که بخواهند، می توانند به راحتی تجربه کنند، پس چرا اینهمه آمار افسردگی در آنجا بالاست؟؟؟

### عدم حضور خدا در زندگی:

افسردگی یعنی سردی و یخبندان روحی.

سردی و یخبندان چطور ایجاد می شود؟

وقتی جایی از نور محروم باشد یا از منبع نور فاصله داشته باشد مثل قطب شمال و جنوب به دلیل دوری از خورشید، شرایط سرد و یخبندان را تجربه می کند.

در بعد روحی هم، دوری از خداوند که نور و خالق هر نوریست (الله نور السموات والارض...)، باعث سردی و بی انگیزگی می شود.

به قول شاعر:

**در کلبه ی ما رونق اگر نیست، صفا هست**      **آنجا که صفا هست در آن نور خدا هست**

### 4- خشونت:

یکی دیگر از عواقب لذت گرایی، خشونت است.

چند سال پیش یکی از موسسات فرهنگی که در مورد مسائل اجتماعی فعالیت دارند، گزارشی از تعدادی پسر جوان گرفته بود و نظراتشون رو در مورد ارتباط با جنس مخالف پرسیده بود:

- بچه ها شما با جنس مخالف هم رفاقت و ارتباط دارید؟



این پسرهای جوان می گفتند ما الان دیگه با دخترها ارتباط نداریم.

- چرا؟

چون دیگه باهاشون لذت نمی بریم. اوایل جوونی مون خیلی علاقه داشتیم و باهاشون دوست می شدیم و تفریح می کردیم و خوش می گذروندیم اما الان دیگه این کارها خیلی برامون جذابیتی نداره.

- یعنی الان چه کار می کنید؟

الان ما دخترها رو اغفال می کنیم و میاریم توی یه خونه ای و کتکشون می زنیم، شکنجه شون میدیم و...  
و اینها گریه می کنند و ضجه می زنند و التماس می کنند که تورو خدا ما رو نزنید و ما با این کار به اوج لذت می رسیم!

### **سادیست و مازوخیست**

یادتونه گفتم برای لذت بردن باید تنوع وجود داشته باشه و الا لذت بی معنی میشه؟!

بر همین اساس، لذت گراها برای لذت بردن بیشتر، کارشون به جایی میرسه که دیگه با روابط عاشقانه ی متعارف لذت نمی برند و برای ایجاد تنوع، متعرض دیگران میشند و با آسیب رسوندن به دیگران، لذت می برند.

اصطلاحاً به چنین افرادی می گویند: «سادیست» یعنی دیگرآزار.

البته لذت گراها فقط به دیگران آسیب وارد نمی کنند بلکه به خودشون هم رحم ندارند و به خودآزاری هم مبتلا می شوند که به آنها اصطلاحاً گفته می شود:

«مازوخیست» یعنی خود آزار.

### **خود ارضایی؛ نوعی خودآزاری**

یکی از موارد خودآزاری، اونانیسم یا خود ارضائی ست.

عملی زشت و شرم آور که نابود کننده شخصیت و حرمت انسانیت.

در قرآن نیز خدای متعال می فرماید: ولا تلقوا بايديكم الى التهلكه. (سوره بقره آیه 195)

خودتون رو با دست خودتون به سمت نابودی و هلاکت نبرید.

در روایات بسیاری از اهل بیت (علیه السلام)، این عمل مورد نهی شدید قرار گرفته است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس که این عمل را انجام دهد و من بدانم، با او هم غذا نمی شوم.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز فرمودند: کسی که خود ارضایی می کند، ملعون است.

عملی که جنایت و خشونت و وحشتناک نسبت به خویشتن محسوب می شود.

### نامه جوان مبتلا

در کتاب مشکلات جنسی جوانان در صفحه 126، نامه هایی را آورده که بوسیله ی قربانیان این عمل نوشته شده است. این نامه ها شامل اسرار ناگفتنی، وقایع دردناک و بهت آوراست و پرده از گوشه ای از این راز وحشتناک برمی دارد که در اینجا به یک نمونه اشاره می کنیم :

«جوانی هستم 17 ساله و محصل سال چهارم دبیرستان که در تمام دوران ابتدائی شاگرد ممتاز بوده ام ولی به عللی که خودتان خیلی خوب می دانید به محض رسیدن به دوران پرآشوب بلوغ به یک دام افتادم. البته این منحصر به من نیست. عده ای از همسالان من نیز به این دام افتاده اند.

در کلاس اول دبیرستان مبتلا به یک نوع انحراف شدم. در عرض این چهارسال مقدار فراوانی از قوای فکری خود را از دست داده ام و ده ها بار توبه کردم، ولی روز به روز ضعف نفس من زیادتر شده.

اکنون به طوری که خودم حس می کنم قسمت های عمده بدن من یعنی قلب و اعصابم دچار خلل شده، و بدتر از همه اراده ام را نیز به مقدار زیادی از دست داده ام، دائما احساس حقارت می کنم، خیلی کم حرف می زنم، ورزش نمی توانم بکنم و حتی به مهمانی های خانوادگی نیز نمی روم...!

به خوبی می دانم که آینده ی خوبی نخواهم داشت... این قدر بی اراده شده ام که ترک این عمل خطرناک برایم کاری مشکل شده است... علت چیست؟

مرا راهنمایی کنید، به من بگوئید چطور می توانم از این درد کشنده خلاص شوم؟»

بینید چه عذایی را در اثر لذت گرایی بر خود نازل می کنند.

در جواب افرادی که همچون این جوان 17 ساله مبتلا به این کار زشت هستند باید گفت که مهم ترین و تنهاترین درمان آن، مخالفت با نفس است که ان شاءالله بطور مفصل در ادامه ی این مباحث ذکر می کنیم.

### 5- نجاست خواری:

اما عواقب لذت گرایی همچنان ادامه دارد و در مواردی کار را به جایی می رساند که فرد، به خوردن نجاسات روی می آورد.

استاد رحیم پور ازغدی این مطلب را نقل می کردند که در بعضی از کنسرت هایی که در غرب برگزار می شود، شخص خواننده در حین آواز خواندن بر روی سن مدفوع می کند و بعد آن را به سمت تماشاگران پرتاب می کند.

خب به نظر شما این افراد چه می کنند؟ آیا خودشان را کنار می کشند که مبدا این نجاست به بدنشان اصابت کند؟ خیر... هرگز!

بلکه درست برعکس، برای تصاحب مدفوع و خوردن آن گوی سبقت را از یکدیگر می ربایند چون این کار برایشان لذت دارد.

از این قبیل اتفاقات کثیف و شرم آور، در فرقه هایی مثل شیطان پرستی (Satanism) به وفور وجود دارد.

### 6- خودکشی:

و آخرین پیامد لذت گرایی اینست که انسان را به کام مرگ می کشاند.

یکی از کشورهای پیشرفته ژاپن است که خودکشی در آن به یک بحران تبدیل شده است؛ نرخ خودکشی در کشور ژاپن، 18.5 نفر از 100 هزار نفر است

و سالانه تعداد 23 هزار و 532 نفر اقدام به خودکشی می کنند.

در فرهنگ ژاپنی، خودکشی در برخی شرایط مدتهاست که به عنوان یک روش افتخارآمیز برای مرگ تلقی می‌شود؛ در بین مردانی که شغل خود را از دست داده‌اند و دیگر قادر به تأمین خانواده‌های خود نیستند، خودکشی راه افتخارآمیز محسوب می‌شود!

## اتانازی

اتانازی یا هومرگی (به فرانسوی: **euthanasie**، به انگلیسی: **euthanasia**) که از زبان یونانی به معنی «مرگ خوب» است، در اصطلاح، شرایطی است که در آن بیمار بنا به درخواست خودش به صورت طبیعی و آرام بمیرد. کسانی که در شرایط این نوع از مرگ قرار دارند، بیشتر بیماران لاعلاج هستند یا کسانی که از یک بیماری سخت روانی (اختلال افسردگی اساسی و...) رنج می‌برند و با رضایت خود، از افرادی مثل پزشکان معالج یا پرستاران یا افراد خانواده خود بخواهند که به آن‌ها در مردن کمک کنند. در زبان فارسی به آن «مرگ شیرین»، «مرگ باوقار»، «مرگ خودخواسته»، «مرگ موقرانه» یا «مرگ بدون بی‌حرمتی» نیز گفته شده است.

خب از نظر مکاتبی همچون لذت‌گرایی این کار نه تنها جایز بلکه پسندیده است چرا که زندگی را تا زمانی با ارزش و محترم می‌دانند که با لذت همراه باشد و وقتی هدف اصلی از زندگی، یعنی لذت وجود نداشت، ادامه دادنش ارزشی ندارد و شایسته است به آن خاتمه دهند.

اما از نظر اسلام چطور؟

از منظر اسلام، بیمار اگر دین دار و مؤمن باشد، تحمل درد و رنج و صبر و بردباری در برابر آن، موجب بخشش گناهان و تزکیه نفس و تخفیف مجازات یا افزایش درجات و رسیدن به ثواب‌های بیشتر اخروی می‌شود و اگر غیر مؤمن باشد چه بسا درد و رنج موجب گردد از رفتار و زندگی گذشته خود پشیمان شده و توبه کند و با حال ایمان از دنیا برود.

بله وقتی هدف شدلذت، در شرایط سخت انسان را به خودکشی می‌کشاند ولی وقتی هدف شد خدا و بندگی خدا، حیات و آرامش پیدا می‌کند.

## نکته ی کلیدی و مهم:

اگر کسی فقط به ویژگی داشته باشد حتما در زندگی دچار انحراف اخلاقی و فساد و تباهی می شود، حتی اگر از خانواده ی مذهبی باشد.  
و آن ویژگی اینست که:

## « اصل در زندگی اش، لذت و خواسته های نفسانی باشد.»

### رفتارسازی:

حاج آقا با این اوصاف چه باید کرد؟

اولاً اینکه: چه کنیم تا از عواقب و پیام های خطرناک لذت گرایی در امان باشیم؟

ثانیاً: از کجا بفهمیم پسری که به سمت ما می آید و پیشنهاد ازدواج می دهد، لذتگرا نیست تا بتوان به او اعتماد کرد؟

### راهکارها

#### 1- اعتقاد به اینکه دختر حرمت دارد نه لذت!

یعنی در زندگی اصل و محور برنامه ها و رفتارها مون، حرمت باشه نه لذت.

یعنی در فضای مجازی، وارد هر کانالی نشویم. در هر گروهی چه حقیقی، چه مجازی فعالیت نکنیم.

قبل از ورود به چنین فضاهایی، از خودمان پرسیم، آیا کرامت و شخصیتم حفظ می شود یا خیر؟

وقتی کسی پیشنهاد دوستی و ارتباط می دهد، چه جنس موافق، چه مخالف، باید این گونه از خود سوال کنیم:

آیا لذت دارد؟ بله

آیا حرمت و کرامتم حفظ می شود؟

- اگر بله: که در اینصورت مانعی ندارد.

- ولی اگر خیر: در اینصورت قطعاً اشکال دارد.

یعنی لذت بردن تا جایی مطلوبیت دارد که با حفظ حرمت و کرامت ما، منافاتی نداشته باشد.

بله کسی که اصل زندگی حرمت باشد، تن به پستی و گناه نمی دهد.

چه زیبا امیرالمومنین فرمودند: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ. (غرورالحکم 8730)

هر که برای نفس (شخصیت) خود احترام قائل باشد، آن را با معصیت خوار نمی گرداند.

## دختر المپیادی و ایدز

دختر خانم المپیادی که مثل بعضی از دختران جوانی که می‌کن:

- دیگه زمانه عوض شده و عصر، عصر ارتباطاته.....

- دلمون می خواد از جوونی مون لذت ببریم و خوش باشیم....

- ما دیگه امروزی و آپ دیت هستیم. مثل بعضیا امل نیستیم که بخواهیم از جنس مخالف حریم نگه داریم و...

این دختر خانم با یه آقا پسری دوست میشه و یه مدتی باهم در ارتباط بودند تا اینکه یکی از روزها دوست پسرش

بهش میگه: آیدا یه پارتنی ای هست که همه ی پسرها با دوست دختراشون میان اونجا... تو هم، همراه من میای؟

گفتم: باشه

خود این دختر خانم داره تعریف می کنه:

« همین که وارد جلسه ی پارتنی شدم، یه صحنه ای دیدم که خیلی افتضاح و ناجور بود... سریع برگشتم عقب! نمی

خوام بگم من خیلی محجبه و مثبت هستم. نه .... اتفاقاً پوشش معمولی و راحتی دارم ولی اونها دیگه اوضاعشون

خیلی خراب بود.

دوست پسرم بهم گفت: آیدا! حالا یه ساعت می شینیم و بعدش زود برمی گردیم.

دیدم خیلی اصرار می کنه، با اکراه قبول کردم.



و دردآورتر اینکه، حتی نمی تواند از دردش، برای کسی دم بزند!

## 2- هجرت از جنسیت تا شخصیت

یکی از کارهایی که باعث میشه از عواقب لذت گرایی و از آدمهای لذتگرا در امان باشیم اینه که سعی کنیم چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، جاذبه های جنسیتی خودمون رو به صفر برسونیم و در عوض، شخصیت والای انسانی خودمون رو نشون بدیم.

یعنی کاری کنیم که اگر کسی به سمت ما آمد، فقط بخاطر زیبایی های زنانه ای که داریم و بخاطر جسم زیبای ما نباشه....

چون ما فقط جسم و بدن نیستیم....

چون ما کالا و جنس نیستیم...

بلکه روح و احساس و عاطفه و شخصیت هم داریم.

یعنی؛ باید جوری رفتار کنیم که نقاط جنسی ما، انگیزه ی دیدن و توجه به ما نباشه بلکه زیبایی فکر و اندیشه مون، مورد توجه دیگران قرار بگیره.

چه زیبا گفت:

## **آکس که زیبایی اندیشه دارد، زیبایی تنش را نشان نمی دهد!**

### داستان خرید مانتو

این داستانی که می خوام براتون بگم رو با دقت گوش کنید:

یه روزی به همراه همسر، برای خریدن مانتو به یک فروشگاه لباس مراجعه کردم. متاسفانه با مانتوهایی مواجه می شدم که خیلی مناسب زنان مسلمان و با شخصیت نبود. مانتوهای کوتاه که کاملاً جلو باز بودند و از قسمت بغل هم چاک دار...

ولی یه جمله ای پشت این مانتو نگاهم رو به خودش جلب کرد..



پشت این مانتو جمله ای به زبان انگلیسی نوشته شده بود که واقعا زشتی این مانتو رو مضاعف می کرد. با خودم می گفتم دختر خانمی که این مانتو رو خریداری می کنه یا زبان انگلیسی بلد نیست یا اگر بلد باشه، خیلی برای خودش ارزش و احترامی قائل نیست.

خب این جمله چی بود؟

به نظر شما پشت مانتوها چی می نویسند؟

**...Keep calm/I am Queen**

اما این جمله ها نبود. اینها که خیلی زشت نیست. جمله ای که می خوام بگم واقعا شرم آورده!

جمله این بود:

**If you love me let me know** (اگر دوستم داری، بذار منم بدونم)

شما فکر کنید این خانم با این مانتوی نامناسب که نگاه نرهای جامعه رو به خودش جلب می کنه!

چی گفتم؟

گفتم نرها نه مردها!

آخه بین نر و مرد خیلی فاصله است!

**میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.**

مردها آرام بخش اند، مهربان و باغیرتند....مردها تکیه گاه و حامی دیگرانند ولی نرها برعکس، حال بهم زن، لاابالی، سربار و به درد نخورند.

مردها به همه ی جنبه های انسانی توجه می کنند ولی نرها فقط به یه چیز فکر می کنند.

مردها به دنبال حفظ حرمت و کرامت و شخصیت زنها هستند ولی نرها فقط لذتهای حیوانی و جنسیت زنها براشون اهمیت داره.

یه بیت شعر می خونم اگه واقعا خوشتون اومد بگید احسنت!!!

شهر بدون مرد شهر درده....قربون شکل ماه هرچی مرده!

آره... مردها به خانم هایی که برای خودشون ارزشی قائل نیستند، نگاه نمی کنند.

آخه مردها به شعاری دارند که میگن:

### **به چشمانت بیاموز که هر کس ارزش دیدن ندارد.**

خب این دختر می دونه که با این مانتو وقتی در جامعه ظاهر میشه، نرها بهش توجه می کنند و خوششون میاد. با خودش میگه: نکنه حالا که خوششون اومده، از ابراز کردنش خجالت بکشند یا روشون نشه. بخاطر همین به اطلاعیه پشت مانتوش نوشته که:

اگر ازم خوشت اومد، بیا بهم بگو... مدیونی اگر بهم نگی!

تصور کنید که این خانم داره توی خیابون قدم میزنه، به نری جلوش رو می گیره!

میگه: ببخشید من از شما خوشم اومده و برای این اطلاعیه که پشت لباستون نوشتید، مزاحم شدم!!!!

اسم این چیه؟ گدایی محبت

گدایی کار خوبیه؟ نه هرگز!

ما به این دنیا آمده ایم که قیمت پیدا کنیم، نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم.

اومدیم حرمت و کرامت انسانی پیدا کنیم نه اینکه...

به جمله ای می خوندم خیلی جالب بود:

هرگز عشق و محبت را گدایی نکن.... چرا؟

چون معمولاً شی گرانها را به گدا نمی دهند...

گدایی محبت باعث بی ارزش شدن فرد میشه، انسانیت آدم رو له می کنه و حرمتش رو زیر سوال می بره.

شما ببینید در همین اتفاقات اخیر که برخی به مخالفت با حجاب شعار می دادند، چه هتک حرمتی که به خانمها نشد که یکی از همین خانمها توییت زده بود:

« با بودن نرهایی مثل شما در جامعه، حجاب باید اجباری بشه»



### 3- تمرین مخالفت با نفس کنید

آلپاتی یا درمان به ضد یا علاج به ضد (به انگلیسی: **Allopathic medicine**) یک اصطلاح قدیمی است که برای تعریف پزشکی مدرن مبتنی بر علم استفاده می‌شود.

و یکی از روشهای درمان در طب سنتی نیز، درمان به ضد است.

درمان به ضد، یعنی اگر بدن ما دچار سردی شد، باید با خوردن گرمی جات، آن را اصلاح و درمان می‌کنیم. و بر همین اساس، رطوبت را با خشکی و برعکس...

همانطوری که عرض کردیم، انسان گرایی و لذت گرایی، در واقع موافقت با خواسته های نفسانی است.

بنابراین اگر بخواهیم از خطرات و عواقب لذت گرایی در امان باشیم و یا اینکه اگر احساس می‌کنیم داریم در زندگی از چنین سبک و روش غلطی پیروی می‌کنیم، یکی از راهکارهای درمانی اش می‌شود: «مخالفت با نفس».

### هر روز و در هر حالتی باید دأب انسان مبارزه با هوای نفس باشد.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«کسی که می‌خواهد حالش اصلاح شود و نفسش سلامت شود باید مرام خود را این قرار دهد (یعنی عادت، بنا و برنامه‌اش این باشد) که در هر حالی مبارزه با هوای نفس کند؛

وَمَنْ أَرَادَ إِصْلَاحَ حَالِهِ وَ سَلَامَةَ نَفْسِهِ فَلْيَجْعَلْ دَابَّهُ مُجَاهِدَةً النَّفْسِ عِنْدَ كُلِّ حَالٍ» (ارشاد القلوب/ج 1/ص 98)

هر روز و در هر حالتی باید دأب (روش) انسان این باشد که با هوای نفس خودش مبارزه کند و یک لحظه نباید از این امر غافل شود.

### مبارزه با نفس دائمی است و تا آخر عمر ادامه دارد.....

از امام صادق (ع) پرسیدند: «راه رسیدن به راحتی چیست؟ حضرت فرمود: در مخالفت با هوای نفس است. پرسیدند: چه موقع عبد به راحتی می‌رسد؟ حضرت فرمود: اولین روزی که وارد بهشت می‌شود؛ قیلَ لَهُ: أَيْنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟ فَقَالَ ع: فِي خِلَافِ الْهَوَى. قِيلَ: فَمَتَى يَجِدُ عَبْدُ الرَّاحَةَ؟ فَقَالَ عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» (تحف العقول/ص 370)

یعنی مبارزه با نفس دائمی است و تا آخر عمر ادامه دارد. یعنی تا وقتی انسان در این دنیا زندگی می‌کند باید مدام با هوای نفس خودش مخالفت کند، چه در مراحل ابتدایی باشد و چه در مدارج و مراتب بالا باشد. یعنی عرفا و بزرگان ما هم تا آخر عمر مبارزه با نفس می‌کردند، البته در سطح خودشان.

در ادامه ی بحث، مختصراً به راه‌های عملی مبارزه با هوای نفس می‌پردازیم و چند قاعده عملیاتی برای مدیریت کردن هوای نفس معرفی می‌کنیم.

مبارزه با هوای نفس دو بخش دارد که این دو بخش را باید در کنار هم انجام دهیم:

### 1- ترک شهوات

### 2- صبر در ناملايمات و سختی ها

امام صادق (ع) به یکی از اصحاب خود فرمود: «من به حق به شما می‌گویم که شما به آنچه می‌خواهید (نهایتاً لقاءالله) نمی‌رسید مگر به ترک آنچه میل و شهوت دارید و به چیزهایی که آرزو دارید نمی‌رسید مگر با صبر کردن در برابر

### ناملايمات و سختی ها؛

بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّكُمْ لَا تُصِيبُونَ مَا تُرِيدُونَ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهُونَ وَلَا تَتَّالُونَ مَا تَأْمَلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ» (تحف العقول/ص 305 و امالی مفید/208)

یعنی اگر احیانا در زندگی، خواسته ای منطقی داریم و دوست داریم به آن برسیم، راهکارش فقط، ترک شهوات و صبوری در مشکلات و سختی هاست.

### از کجا بدونیم پیری که میاد سمت ما، لذت گرا هست یا نه؟

لذت گراها همانطوری که عرض کردیم اهل مخالفت با نفس و سختی کشیدن نیستند و اصلاً طاقت کوچکترین رنج و سختی را ندارند...

اگر پسری مثلاً به شما ابراز محبت کرد و برای جلب اطمینان شما، ادعا کرد که هدفش از برقراری این رابطه، دوستی های پوچ و بی هدف نیست بلکه به دنبال ازدواج با شماست، کافیت یک سوال منطقی از او پرسید؛ «بخشید! ممکنه از محبتی که نسبت به بنده دارید، با پدرم هم در میان بذارید؟»

اگر لذت گرا باشد، نه اینکه از سختی و رنج فراری است، خواهد گفت: «نه! نه! نه!.....بذار اول بین خودمون باشه... حالا بعداً با خانواده ها در میان میذاریم.»

باید بهشون با قاطعیت تمام گفت: خر خودتی!!!!

پسره ی بی شخصیت و لذتگرا می خواد برای خواسته ی نفسانیش خیلی راحت و بی زحمت و مفت، به دختر مورد علاقه اش برسه.

اینها از اون دسته نرهایی هستند که شعارشون این بود:

آدم عاقل برای یه لیوان شیر گاو نمی خره!

اتفاقاً باید با جواب منفی محکم بهشون فهموند:

« هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد...! »

یا اینکه: « نابرده رنج، گنج میسر نمی شود...! »

### **جاده نغزنده است! مراقب نغزش حرمت خود باشید!**

یکی از ابزارهایی که افراد لذت گرا برای شکستن حرمت شما، به آن متوسل می شوند، سوءاستفاده از عواطف و احساسات پاک دخترانه ی شماست!

دختر خانمی تعریف می کرد:

« با یه پسری در حد چت و مکالمه، ارتباط دوستی داشتم، چند وقتی که گذشت باهام تماس تصویری برقرار کرد و بهم یه پیشنهاد شرم آوری داد: که قبول نکردم.

وقتی دید با خواسته اش مخالفت کردم، یه تیغی برداشت و بهم گفت: اگه قبول نکنی که با من باشی، خودم رو می کشم!!!!

واقعش دیگه طاقت نیاورددم... ترسیدم یه بلایی سر خودش بیاره... این بود که با اکراه قبول کردم.

می دونید عاقبت این دختر و امثال این دختران معصوم و بیچاره به کجا ختم میشه!!!؟

دختر دانشجویی که قصد خودکشی داشت. می خواست داخل حمام خوابگاه دانشجویی، با یه تیغ به زندگیش خاتمه بده، ولی رفیقاش مانع این کارش شدند.

وقتی ازش سوال کردم چرا می خواستی خودت رو بکشی!؟

جواب داد: در ارتباط با اون پسری که ادعا می کرد دوستم داره، چنان بلایی سرم اومده و چنان حقارتی رو چشیدم که احساس بی شخصیت بودن و کثیف بودن می کنم.... و انقددددر بی حرمت شدم که فقط دلم می خواد بمیرم!!!!

چه غم انگیز و دردناک!!!

اینجاست که باید گفت: ترحم بر پلنگ تیز دندان...

خیلی باید مراقب باشیم که در دام این نرهای گرگ صفت نیفتیم!

به راستی اگر این دختر خانم دانشجو برای خودش حرمت قائل بود و با هر

بی سروپایی رفاقت نمی کرد، به چنین سرنوشت تلخی مبتلا می شد؟!؟

اگر این دختر مظلوم، دچار غفلت نمی شد و احساسی عمل نمی کرد، انقدر حالش بد می شد؟!؟

گفت: یک لحظه شدم غافل... یک عمر پشیمانم!!!

**و اما کلام آخر...**

اگر در زندگی خودت و خواسته های نفست رو بر خدا ترجیح دادی، میشی لذت گرا یا انسانگرا و اومانیست...

ولی اگر خدا رو بیشتر از خودت دوست داشتی و بر خواسته های نفست، ترجیح دادی، شهید میشی و به بالاترین درجه از حرمت و کرامت انسانی می رسی. (پس نتیجه ای که از بحث می گیریم که کرامت انسان در اطاعت خداست.)

كِرَامَتِنَا الشَّهَادَةُ... شهادت كرامت ماست.

به قول شهيد علي چيت سازيان:

**براي رسيدن به كرامت و سعادت در زندگي بايد از سيم خاردار نفست عبور كني**

خدايا چنان كن سرانجام كار تو خوشنود باشي و مارستگار